

(عالم اسلام)

شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حقوق معلمین (۱)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۱۱ / ۰۴

- حق معلم و استاد حق معلم و استاد
- ویژگی انسان و جامعه بالنده
- جایگاه رفیع علم، معلم و متعلم در اسلام
- جایگاه معلم در قرآن

۱. علم، هدف آفرینش است

۲. تجلی کرامت خداوند در دانش آموختن به انسان

۳. خداوند رتبه عالمان را افزایش می‌دهد

۴. خشوع در برابر پروردگار، نتیجه علم الهی

۵. خداوند خود نیز معلم است

۶. پیامبر اکرم (ص)، معلم کل بشریت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

چیزهایی هستند که بین تو و استاد تو فاصله می‌اندازند. آنجایی که انسان دنبال بازی‌گوشی‌های دنیایی و لذت‌ها است، ظاهراً نصیبت کم است. لذا امام (علیه السلام) فرمود وقتی نزد استاد حاضر می‌شوی، از این جهت هم خودت را کاملاً آماده کن.

در آخر نیز فرمود: «إِنَّكَ فِيمَا الْقِي إِلَيْكَ رَسُولُهُ» از این پس تو نماینده او برای انتقال دانش به دیگران هستی و در نتیجه، باید بتوانی به‌شایستگی از سوی او در ارائه مطالب علمی نمایندگی کنی؛ «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

آنچه تقدیم کردم، یک ترجمه سریع از رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) بود ذیل عنوان «و اما حق سائسک بالعلم» که محل بحث ما است.

در فهرست حقوق دیگران که جنبه حق الناسی پیدا می‌کند، بعد از حق رهبر و پیشوا و حاکم و والی، نوبت به حق استاد و معلم می‌رسد. این چینش و ترتیب، حکایت از اوج شأن و جایگاه معلم دارد و این پیام را برای ما دارد که هر کدام از این امور، چه نقشی در زندگی و سعادت این جهانی و آن جهانی ما دارد.

والی و حاکم در طراحی‌های کلان زندگی انسان نقش فوق‌العاده‌ای

حق معلم و استاد

«حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الْأَسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالُ عَلَيْهِ» حق کسی که برنامه‌ریزی برای رشد علمی تو بر عهده‌ی او است. «سائس» به معنای مدیر و رهبری‌کننده نیز هست. کسی که مدیریت دانش تو را بر عهده دارد، حق او این است که او را بزرگ بشماری و جلسه علمی او را گرامی بداری و سخن او را به‌زیبایی و شایستگی گوش فراداری و به او رو کنی و با آمادگی سراغ او بروی. معلم و استاد خود را یاری کنی تا آنچه از دانش او که شایسته‌ی تو است، به تو ارزانی دارد.

چگونه او را یاری کنی؟ «تَفَرِّغْ لَهُ عَقْلَكَ» خرد و ذهن خودت را آماده و فارغ کن از هر چیز دیگری و در حضور او متمرکز باش و فهم خودت را احضار کن تا سخنان و مطالب علمی او را به‌شایستگی برداشت کنی و دل خودت را هم برای او پاکیزه کن.

«و تجلی له اثرک بالترک» در این میانه

این نکته عبارت است از اینکه حقیقتاً از عمق جان احساس افتخار می‌کنیم که مسلمان و پیروی مکتبی هستیم که سخن اولش علم است، سخن وسطش علم است و سخن پایانش هم علم است. شما از هر جهت که وارد مکتب اسلام ناب می‌شوید، مسئله علم و آگاهی، اولین مسئله است و این خیلی افتخار است که ما به چنین مکتبی تعلق داریم. یعنی مکتبی که پیامبرش، معلم همه معلمان بشر محسوب می‌شود و خدای متعال به او خطاب می‌کند: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» [۱] و بگو: پروردگارا، بر دانشم بیفزای.» تو نیز به دنبال ازدیاد دانش باش.

کافی است در موضوع بحث ما، مراجعه سریعی به قرآن کریم داشته باشید. دیگر مراجعه به سنت و کلام و روش اولیای خدا بماند. فقط و فقط اگر کسی به کلام خدا مراجعه کند، از همان ابتدا، جایگاه و شأن علم و دانش و عظمت استادان برایش آشکار می‌شود.

پیامبر عزیز ما (صلوٰه الله و سلامه علیه) که به وجود مقدس و لطف و کرمش به همه امت‌ها می‌بالیم، کارویژه‌اش از سوی خدای متعال عبارت است از تزکیه و تعلیم و مخصوصاً بازگشایی ابوابی از دانش

دارد و بلافاصله پس از آن، مسئله علم و رابطه علمی و حق معلم و استاد قرار دارد.

ویژگی انسان و جامعه بالنده

این بحث، از بحث‌های بسیار شیرین و جذاب رساله حقوق است که همه ما با آن سر و کار داشته‌ایم، داریم و خواهیم داشت. یک جامعه پیشرو و یک انسان بالنده، جامعه انسانی است که همیشه کار علمی دارد و همواره خود را نیازمند کار علمی و محتاج شرفیابی به محضر استاد می‌داند. اگر جامعه‌ای چنین اوصافی داشته باشد و چنانچه آحاد جامعه چنین ویژگی داشته باشند، دائماً در حال رشد و ترقی خواهد بود؛ لذا چه در گذشته، چه اکنون و چه در آینده، همه در ارتباط با این بحث ما، یعنی حق معلم قرار می‌گیرند.

جایگاه رفیع علم، معلم و متعلم در اسلام

هر جا که سخن از حق معلم به میان می‌آید، در واقع سخن از حق علم و دانایی، جایگاه و شأن دانش و آگاهی و معرفت است. این اصل مسئله است.

اینجا یک نکته شیرینی وجود دارد.

فروود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است». این آیه خیلی تکان‌دهنده است. می‌فرماید خدایی که هفت آسمان را آفرید و از سیارات و زمین هم هفت‌گونه مثل آنها را خلق کرد - البته هفت از کلمه‌ی «مثلهن» برداشت می‌شود - و فرمان خود را در مجموعه عظیم آسمان‌ها جاری کرد، همه اینها برای این بود که «لَتَعْلَمُوا»، یعنی این آفرینش و سامان دادن و تدبیر کردن کرات و آسمان‌ها و زمین و...، کنار هم چیده شده و به نظم آمده و تدبیر شده تا شما بدانید؛ یعنی برای بار یافتن انسان‌ها به مقام شامخ دانش است. تا قدرت خداوند و قدرت مطلق حضرت حق را دریابید و بدانید خداوند به همه چیز احاطه علمی دارد. یعنی هم به قدرت و هم به علم خدا راه پیدا کنید. مرحوم شهید ثانی در کتاب شریف منیه المرید، همین آیه را ذکر می‌کنند و می‌فرمایند همین یک آیه کافی است برای اینکه بخواهیم منزلت علم و جایگاه دانش را از منظر خدای متعال بدانیم. خدا همه چیز را خلق کرده تا ما به دانش برسیم. البته در این آیه تجلیل ویژه‌ای از انسان هم شده که نشان

که دسترسی ما به آن دانش‌ها جز از طریق واسطه اعظم امکان‌پذیر نیست.

پس نکته اول اینکه ارتباط ما با مکتبی است که آغاز تا انجامش همه علم است و کتاب و معجزه‌اش از جنس علم و قلم و کتاب و معرفت است.

حق معلم به شکل طبیعی همه‌ی ما را به یاد معلم‌هایمان می‌اندازد؛ چه حق آنها را ادا کرده باشیم و چه نکرده باشیم؛ لذا فرصتی است برای اندیشیدن به آنها و ذکر خیر آنها.

جایگاه معلم در قرآن

۱. علم، هدف آفرینش است

آیه دوازدهم سوره مبارکه طلاق که آیه آخر آن سوره نورانی محسوب می‌شود، خیلی روشن و شفاف به همه اعلام می‌کند که گویا آفرینش آسمان‌ها و زمین مقدمه‌ای بوده برای اینکه انسان به علم برسد: «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها

می‌دهد جایگاه ویژه‌ای نزد خدای متعال دارد.

۲. تجلی کرامت خداوند در

دانش آموختن به انسان

مثال دوم از قرآن کریم، سوره مبارکه علق است که اولین سوره‌ای است که بر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.

اولین خطاب این است که به نام پروردگارت بخوان که خلق کرد: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید». بعد هم سخن از آفرینش انسان به میان می‌آید و ما را به وضعیت آغاز خلقت برمی‌گرداند، در نقطه‌های شروع شکل‌گیری واحد انسانی در رحم مادر و وضعیت جنینی: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» انسان از خون بسته ساخت. «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» بخوان و پروردگارت تو در کرامت بی‌نهایت و نامحدود است.

این نامحدود جلوه‌اش کجا است؟ «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ همان کس که به وسیله قلم آموخت». می‌خواهی کرامت بی‌نهایت پروردگارت را مشاهده کنی؟ هم در خلق تو کریمانه عمل کرده و هم در سیر بزرگ شدن تو و به منزلت رسیدن و به کرامت رسیدن تو. خدایی که

با قلم انسان را دانش داد. «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ آنچه را که انسان نمی‌دانست [به او] آموخت». خودش اولین معلم شد. کرامتش هم در آفرینش شما است، اما جلوه اکرمیت شما در دانش آموختن به شما است. خودش شد معلم شما که با قلم، امکان آموزش را برای شما فراهم کرد و آنچه را نمی‌دانستید به شما تعلیم داد.

اینجا بزرگان ما می‌فرمایند که بین حضيض تا اوج انسان در این آیه آمده است. «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» حضيض است و اوجش وقتی است که انسان بالیده و رشد کرده و دانش آموخته و مخصوصاً از مکتب وحی فیض برده و بهره‌مند شده است.

۳. خداوند رتبه عالمان را افزایش

می‌دهد

اگر بخواهیم نمونه دیگری از قرآن بیان کنیم، سوره مبارکه مجادله، آیه یازدهم است که خیلی صریح خدای متعال می‌فرماید: «يَرْفِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خدا [رتبه] کسانی را از شما را که گرویده و کسانی که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند». خداوند به اهل ایمان

۵. خداوند خود نیز معلم است
در قرآن کریم، اولین معلم، خود خدای متعال است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ [۳] آنچه را که انسان نمی‌دانست [به او] آموخت».

امام راحل عظیم‌الشان وقتی می‌خواستند بگویند که معلمی چقدر مهم است، می‌فرمودند: «معلمی شغل انبیا است». قرآن کریم قبل از آن می‌گوید که معلمی شغل خود خدا است. کسی که واسطه علم قرار می‌گیرد، شأن بسیار عجیبی دارد؛ تا جایی که امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»؛ [۴] شأن، شأن رفیعی است. به هر حال سوره الرحمن می‌گوید: «عَلَّمَ الْقُرْآنَ»؛ [۵] قرآن را یاد داد». خدای مهربان مهرپرور و مهرگستر که ما می‌توانیم او را با رحمتش یاد کنیم، فرمود: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ [۶] به او بیان آموخت». همه‌اش مسئله علم است. بعد از خلقت انسان، به مسئله تعلیم قرآن پرداخته و خدای متعال، آفرینش انسان را بین دو جلوه دانش تعریف کرده است. یک نکته خارج از بحث بگویم و آن اینکه این مسئله در سوره الرحمن آمده که عروس قرآن است. متأسفانه ما عروس قرآن

و کسانی که بهره علمی دارند، درجات می‌دهد. آن چیزی که انسان را در منازل کمال بالا می‌برد، علم و ایمان است.

۴. خشوع در برابر پروردگار، نتیجه علم الهی

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم تأکید دارد که برای راه یافتن به مقام علم حقیقی که خداشناسی و توحید است، مسیر انسان از علم می‌گذرد و آن چیزی که انسان را خاضع و خاشع می‌کند و بنده حقیقی می‌سازد، علم است؛ لذا فرمود: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»؛ [۲] از بندگان خدا فقط دانایانند که از او می‌ترسند». کسانی که می‌خواهند حقیقت بندگی را بچشند و به خشوع مطلق دست پیدا کنند، هیچ راهی غیر از مسیر علم و آگاهی ندارد. باید عالم شد تا به فروتنی مطلق و محض و خاکساری تمام در پیشگاه خدای متعال دست یافت.

معلم کسی است که وساطت می‌کند تا علم به قلب و فهم ما برسد و در دسترس ما قرار گیرد.

و تفضّل خدا بر تو همواره بزرگ بود. فضل خدای متعال درباره‌ی تو خیلی عظیم است چرا که آنچه را نمی دانستی به تو تعلیم داد. حال کسی که برگزیده خداوند از بین انسان‌ها شد، مورد تعلیم ویژه قرار می‌گیرد و خداوند روح و جان او را سرشار از نور علم و دانش می‌کند و این می‌شود معلم کل؛ یعنی پیامبر عزیز ما به واسطه «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ» به میدان بشر می‌آید و خدا می‌فرماید حالا به میدان برو و تو دست مهر و زبان لطف خدا در بین خلق می‌شوی تا مردم را از این فضیلت بزرگ، یعنی دانش بهره‌مند سازی. در این آیه سخن از این است که مقام شایخ پیامبر مقام معلمی است: «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛» یعنی هم نقش تزکیه و صفادهی و صفابخشی به جان و دل انسان‌ها و هم نقش تعلیم کتاب و حکمت و دانش الهی را دارند. بنابراین اگر بخواهیم فضیلت معلم را در قرآن کریم به دست بیاوریم، یادمان باشد که اولین معلم خدا است و در پرتو علم الهی، انبیای الهی و البته در بین همه‌ی آنها، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) قرار دارد که سر رشته‌دار دانش در

را به مراسم ختم می‌بریم و من توصیه‌ای هم برای این موضوع ندیده‌ام؛ لذا باید فکری برایش کرد. البته در مجلس ختم خوب است آیات قرآن تلاوت شود؛ اما الان تا می‌گوییم: «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ: [7] [خدای] رحمان، قرآن را یاد داد»، ذهن مخاطب به سمت مجلس ختم می‌رود. بگذریم...

خدای متعال خودش را در قرآن کریم معلم معرفی می‌کند. در سوره مبارکه بقره، آنجا که از خلقت انسان سخن به میان می‌آید، می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛ [8] و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت؛» یعنی خداوند خودش به آدم اسما را تعلیم داد و آدم اولین شاگرد شد و این جریان تعلیم در زندگی انسان جریان پیدا کرده است.

6. پیامبر اکرم (ص)، معلم کل بشریت

جالب است که خدای متعال خطاب به پیامبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه و علی آله)، این جلوه تعلیمی خودش را به رخ می‌کشد و می‌فرماید: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا؛ [9] و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت،

منابع و مأخذ

- [۱]. طه: ۱۱۴.
- [۲]. فاطر: ۲۸.
- [۳]. علق: ۵.
- [۴]. این جمله در منابع مشهور و اولیه روایی وجود ندارد، اما در پاره‌ای از کتاب‌هایی که جنبه روایتی ندارند، به مناسبت، گاه روایاتی در آنها مشاهده می‌شود که عبارت «من علمنی حرفاً صیرنی عبداً» به عنوان حدیث ذکر شده و در برخی از کتاب‌های دیگری از این دست، جمله «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا كُنْتُ لَهُ عَبْدًا» به عنوان حدیثی بدون سند به امام علی (علیه السلام) نسبت داده شده است. «به هر حال، چه این جمله حدیث باشد و چه نباشد؛ کلام حکیمانه‌ای است که در بزرگداشت مقام معلم، بسیار ارزنده می‌باشد». سید محمدحسین طباطبایی، تعلیم اسلام، ص ۲۱۰.

[۵]. الرحمن: ۲.

بین بشریت است. امیدوارم چند جلسه‌ای که در باب حق معلم صحبت می‌کنیم، فرصتی باشد که همه ما دوباره به حق معلمان خود فکر کنیم و معلم‌ها هم درباره حق شاگردان خود بیندیشند و ان‌شاءالله همه ما در جستجوی دانش باشیم؛ چراکه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: یا عالم باش یا دانشجو یا مستمع سخن آگاهی‌بخش یا محب آنها باش. [۱۰] به هر حال به نحوی با دانش مرتبط باش. خدا را قسم می‌دهم به حق بزرگ معلم بشریت، به همه ما روح دانشجویی و دانش‌آموزی کرامت کند و معلمان ما را در انجام رسالت معلمی‌شان موفق بدارد و درگذشتگان آنان را غریق دریای لطف و رحمتش کند.



[۶]. همان: ۴.

[۷]. همان: ۱ - ۲.

[۸]. بقره: ۳۱.

[۹]. نساء: ۱۱۳.

[۱۰]. «كُنْ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُحِبًّا
أَوْ مُتَّبِعًا وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ فَتَهْلِكَ؛
یا دانشمند باش یا دانشجو یا
دوست‌دار [دانشمندان] یا پیرو
[ایشان] باش و پنجمی نباش که
هلاک می‌شوی».



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

